



پس از انتشار گزارش نشست اول منتشر می‌شود؛

## آسیب‌شناسی سیاستگذاری حجاب در ایران

گزارش دومین نشست تخصصی «حجاب؛ آسیب‌شناسی سیاست‌های گذشته، نگاه به آینده» که در روز شنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۳ مصادف با روز «حجاب و عفاف» برگزار شد، منتشر می‌شود. پیش از این نیز گزارش نشست اول منتشر شد که متخصصان و سیاستگذاران فرهنگی، با محور قرار دادن قانون راهکارهای اجرایی حجاب و عفاف مصوب سال ۱۳۸۴ چالش‌های این حوزه را به بحث و بررسی نهادند. ۴۷

دومین نشست تخصصی حجاب؛ آسیب‌شناسی سیاست‌های گذشته، نگاه به آینده (۲) با حضور دکتر علی مطهری (نماینده مجلس شورای اسلامی)، دکتر کبری خزعلی (رئیس وقت شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، دکتر سوسن باستانی (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا)، دکتر منیره نوبخت (رئیس سابق شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، دکتر سیاری (جانشین دکتر مرتضی میرباقری قائم مقام وقت وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی)، بخشی‌زاده (جانشین آقای علی دارابی معاون وقت سیمای سازمان صدا و سیما)، دکتر اشرف بروجردی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن اختری (رئیس مجمع جهانی اهل بیت و دبیرکل بنیاد حجاب و عفاف)، دکتر صمدی (جانشین خانم شهیندخت مولوردی و معاون وقت امور زنان و خانواده رئیس جمهور)، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا زائری (مدیرعامل وقت موسسه فرهنگی سرچشمه)، پروین داداندیش (مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، حجت‌الاسلام علی جعفری (جانشین سردار حسین یکتا رئیس وقت قرارگاه خاتم‌الاولیا)، حمیدرضا یوسفی (جانشین ابوالقاسم شیرازی رئیس اتحادیه کشور لباس و پوشاک) و محمود رفیع‌پور (نماینده بسیج اصناف) به بحث پیرامون دو سوال عمده برگزار شد:

الف) چرا در گسترش حجاب و عفاف موفقیت زیادی حاصل نکرده ایم؟

ب) چه راهکارهایی برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد می‌کنید؟

حاضرین با تاکید بر اولویت اقدامات فرهنگی بر سایر اقدامات، چالش‌های پیرامون مساله حجاب را از ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاستگذاری مورد بحث و بررسی قرار دادند که متن کامل این مباحث در پیوست قابل دریافت و مطالعه است.

مباحث ارائه شده توسط کارشناسان حاضر در این نشست تخصصی را می‌توان در چند گزاره مشخص جمع‌بندی کرد:

جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب نسبت به سیاستگذاری حجاب اهتمام داشته است. اما در دوره‌های مختلف رویکرد متفاوتی نسبت به آن داشته و رویکرد واحدی مشاهده نمی‌شود. در این سال‌ها همواره در میان گروه‌های مختلف سیاسی و نخبگان حاکم اختلاف‌نظرهای فراوانی درباره نحوه مواجهه با مسأله حجاب وجود داشته است. در اولین دوره پس از انقلاب بر حجاب شرعی و حداقلی تاکید می‌شد اما با گذشت زمان کوتاهی علی‌رغم عدم اجماع میان نخبگان و سیاستمداران در این باره، حجاب در اماکن عمومی و دولتی اجباری شد. در پایان دهه اول انقلاب و ابتدای دهه دوم مجازات افراد بدحجاب و جرم‌انگاری بدحجابی در دستور کار قرار گرفت و پس از آن رویکردهای فرهنگی به سیاستگذاری حجاب در کشور افزوده شد.

درباره مفهوم حجاب میان سیاستگذاران و مجریان اجماع چندانی وجود ندارد. حجاب تا چه میزان پدیده‌ای شرعی و تا چه میزان عرفی است؟ نسبت میان حجاب و عفاف و حتی حیا و منطق کنارهم قرار گرفتن آنها روشن نیست. علی‌رغم تغییر مصادیق بدحجابی در دوره‌های مختلف، امروز معیارهای مشخصی برای بدحجابی وجود ندارد. عدم تعریف مشخص از این مقوله موجب اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای توسط مسئولان فرهنگی کشور و در نتیجه سردرگمی مردم و مسئولان در این باره شده است. بنابراین بخشی از گرایش جوانان و نوجوانان به الگوهای غربی را می‌توان ناشی از کم‌کاری و ضعف مسئولان فرهنگی کشور و عدم الگوسازی برای آنها دانست.

حجاب به عنوان یک پدیده اجتماعی در دستور کار قرار نگرفته است. بنابراین به شیوه یک مسأله اجتماعی برای آن سیاستگذاری نشده است. سوال مهم این است که آیا سیاست‌های کشور در باره حجاب تا کنون مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند؟ این سیاست‌ها چه بازخوردی از سوی مجریان و مردم به دنبال داشته‌اند؟ این سیاست‌ها چقدر در گرایش به باحجابی یا بی‌حجابی در کشور موثر بوده‌اند؟ نگاه جامعه نسبت به این موضوع چیست؟ مردم خواهان دخالت فیزیکی دولت با پدیده بدحجابی هستند یا نه؟ پژوهش‌ها و نظرسنجی‌ها در این باره چه می‌گویند؟ آیا آسیب‌شناسی مستمری از وضعیت حجاب در کشور صورت می‌گیرد؟ آمار ارائه‌شده توسط سازمان‌های متولی درباره این مسائل متفاوت و بعضاً متناقض است.

به نظر می‌رسد درباره دخالت یا عدم دخالت دولت و همچنین حدود و ثغور آن نیز اختلاف‌نظرهای فراوانی در جامعه و بویژه میان نخبگان و سیاستگذاران وجود دارد. اختلاف نظر میان دست‌اندرکاران فرهنگی کشور در دو بعد قابل بررسی و تقسیم‌بندی است. نخست اختلاف نظر درباره دخالت یا عدم دخالت دولت و دوم اختلاف نظر بر سر اینکه رویکردها در سیاستگذاری حجاب باید فرهنگی باشد یا انتظامی. اما در مجموع به نظر می‌رسد درباره نقش دولت بزرگنمایی صورت گرفته و از نقش سایر دستگاه‌های غیردولتی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی غفلت شده است.

در حالی از تلاش برای گسترش حجاب در کشور سخن گفته می‌شود که حتی بخش مذهبی و محجبه جامعه به لباس مناسب دسترسی ندارند.

با توجه به اینکه بسیاری از زنان موفق در جمهوری اسلامی مانثویی و غیرچادری هستند، بازنگری در حوزه بازنمایی نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت است. معرفی زنان صرفاً چادری به عنوان الگوی زن در جمهوری اسلامی اعتماد مخاطبان را خدشه‌دار می‌کند.

یک موضوع مهم در سیاستگذاری حجاب توجه به مطالبات جامعه در این باره است. چنانچه از برخی نظرسنجی‌ها برمی‌آید

حجاب در سال‌های ابتدایی انقلاب یک مطالبه عمومی بوده است. نتایج یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳ نشان می‌دهد ۷۵ درصد مردم در پاسخ به این سوال که زن باحجاب را ترجیح می‌دهید یا زن بی‌حجاب؟ زنان باحجاب را انتخاب کرده‌اند [۱]. همچنین در سال ۱۳۵۸ در پاسخ به این سوال که به نظر شما حجاب زن لازم است یا نه؟ ۶۷.۳ درصد پاسخ مثبت داده‌اند که حکایت از یک مطالبه عمومی درباره حجاب دارد. با این حال ۲۳.۸ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز به این سوال جواب منفی داده‌اند [۲] که عدد کوچکی نیست و به راحتی نمی‌توان از آن عبور کرد. در سال‌های بعد نیز گزارش‌هایی از نهادهای متولی در این باره منتشر شده است که تناقض فراوانی دارند.

سیاست‌های حجاب در کشور صرفاً رویکردی سلب داشته‌اند و از رویکردهای ایجابی در سیاستگذاری غفلت شده است. تاکید بر ادامه رویه‌های بی‌نتیجه‌ی گذشته مانند دستگیری و برخورد فیزیکی با بدحجابان شاهدهی بر این مدعاست. برخی قوانین با گذشت زمان کارایی یا موضوعیت خود را از دست داده‌اند اما هیچ اقدامی برای اصلاح آن‌ها صورت نمی‌گیرد. این سیاست‌ها بیش از آنکه در خدمت گسترش حجاب باشند در خدمت مقابله با تهاجم فرهنگی بوده‌اند. لذا نتیجه عینی پیگیری آن‌ها طرد و دور کردن بسیاری از جوانان از مفاهیم دینی و دامن زدن به واکنش‌های اعتراضی آن‌ها بوده است. چنانچه در گزارش شورای فرهنگ عمومی نیز دیده می‌شود بهبودی در وضعیت حجاب بوجود نیامده است. بر مبنای این گزارش که با عنوان وضعیت پوشش و آرایش ایرانیان در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است، درصد زنان آسیب‌دار [۳] از ۶۲.۱ درصد در سال ۱۳۸۶ (موج‌های اول و دوم این طرح که همزمان با آغاز به کار گشت ارشاد انجام شد) به ۷۱.۸ درصد در سال ۱۳۹۱ (در موج‌های یازدهم و دوازدهم) افزایش یافته است که می‌تواند به معنای شکست و ناکارآمدی سیاستگذاری حجاب در کشور باشد. بنابراین انتخاب سیاست‌های درست و تغییر سیاست‌های موجود با تکیه بر شناخت و بازخوانی مستمر عوامل موثر بر وضعیت فرهنگی کشور ضروری است. در صورتی که سیاست‌های فرهنگی از جمله سیاست‌های حجاب به درستی انتخاب نشود می‌تواند پیامدهای منفی از جمله افزایش فاصله مردم و حاکمیت، افزایش کارکرد اعتراضی بی‌حجابی در جامعه و تشدید وضعیت موجود را به دنبال داشته باشد.

برای مطالعه و دریافت متن کامل گزارش این نشست، از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

[۱] - اسدی، علی و همکاران (۱۳۵۶). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.

[۲] - اسدی، علی، مهدی بهکیش و منوچهر محسنی (۱۳۵۹). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۸، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.

[۳] - کسانی که حدود شرعی را در پوشش و آرایش خود رعایت نمی‌کنند. (واعظی، منصور (۱۳۹۲)). وضعیت سنجی پوشش و آرایش ایرانیان، انتشارات کتاب‌نشر)